

بررسی تحولات تاریخی وقف در شبه قاره هند

حیدر رضا ضابط

بنیاد پژوهشهای اسلامی - گروه تاریخ اسلام

چکیده

نویسنده در این مقاله ضمن بررسی تحولات تاریخی وقف در شبه قاره هند، کهن‌ترین آثار وقف در این منطقه را معرفی کرده است. در این مقاله، نقش صوفیان در توسعه موقوفات و نقش اوقاف در گسترش علوم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در پایان نقش دولت استعمارگر بریتانیا در تضعیف اوقاف در شبه قاره هند توضیح داده شده است.

سنت حسنه وقف نیز در این شبه قاره شکل گرفت. شکل‌گیری وقف با ساخت تعداد زیادی مسجد، بارگاه، کتابخانه، کاروانسرا و مدرسه نمود یافت؛ بدین‌سان می‌توان گفت وقف در هند، که اکنون از نظر سیاسی به سه کشور هند، پاکستان و بنگلادش تقسیم شده و ۵۲۰ میلیون مسلمان - بیش از یک‌سوم کل مسلمانان جهان - را در خود جای داده است،

زمینه نفوذ و گسترش اسلام در شبه قاره هند، همزمان با حیات سیاسی پیامبر اکرم ﷺ فراهم شد. این مهم نخست توسط تجار عرب که در زمان پیامبر اکرم ﷺ اسلام آورده روابط تجاری با مناطق ساحل جنوب غربی «مالابار»^۱ داشتند تبلیغ گردید؛ در نتیجه شماری از مردم این مناطق ساحلی در آن بُرهه به دین مبین اسلام مشرف گشتند. پس از نفوذ اسلام و همگام با گسترش آن،

1- Malabar Coast.

با نفوذ اسلام در این شبه قاره آغاز گردید و با گسترش اسلام بسط یافت.

مهاجرت ایرانیان به هند، رونق خاصی به این سنت حسنه بخشید و روند این حرکت را تسریع نمود و آن را چشمه‌ای جاری ساخت که تا امروز به حیات خود ادامه می‌دهد. وقف در هند عمر هزار و چهارصد ساله‌اش را بیشتر مرهون مسلمانان مهاجر ایرانی‌نژاد است که بیشتر آنان را عارفان، شاعران، اهل هنر و ادب و رجال سیاست تشکیل می‌داده‌اند. مسلمانان در ترویج و تبلیغ اسلام در شبه قاره هند خدمات شایانی را انجام داده و موقوفات زیادی از خود بر جای گذاشته‌اند، که برخی از آن آثار پس از گذشت بیش از هزار سال هنوز عظمت خود را حفظ کرده‌اند. حکومت هزار ساله مسلمانان بر شبه قاره هند، آن‌چنان عظمتی به میراث فرهنگی هند بخشید که حتی پس از گذشت دو قرن حکومت سلطه‌گر و استعماری بریتانیا بر این شبه قاره - که بقا و حیات خود را در حذف و از بین بردن مسلمانان و آثار اسلامی آن از قبیل وقف می‌دیدند - هنوز پابرجاست و منشأ خیرات و مبرات فراوانی است.

کهن‌ترین آثار وقف

قدیم‌ترین توضیحات درباره وقف در شبه قاره هند در کتاب خطی و نایاب «انشاء مهرو» نوشته عین الملک ملتانی پیدا می‌شود. در این کتاب نامه‌های نویسنده به عنوان نمونه مکاتبات رسمی معرفی می‌شود. مؤلف در نامه شانزدهم این کتاب موقوفات شهر ملتان را در آن برهه شرح می‌دهد^۱ حتی قبل از استقرار سلسله حکومت‌های پادشاهی مسلمانان ۶۰۳-۹۳۳ق / ۱۲۰۶-۱۵۲۶م) در هند تعداد زیادی موقوفه مانند مساجد، مقبره‌ها، مدارس دینی و گورستانها ایجاد گردید که آثار آن هنوز هم بعد از گذشت بیش از هشت قرن وجود دارد. بارگاه شهید امیر مسعود (م ۴۲۴ق) در شهر بهرائچ و گنج شهیدان که متعلق به دوره ماقبل سلسله غوریان^۲ در هند می‌باشد نیز از همین موارد است.

در دوران حکومت پادشاهی هند تعداد زیادی مساجد، بارگاه، کاروانسرا، کانال آب

1- S.A. Husain and S.K. Rashid: Waqf

Laws and Administration in India, p.14.b

۲- سلسله غوریان از سال ۳۹۰-۶۱۲ق /

۱۰۰۰-۱۲۱۵م در ناحیه خراسان، افغانستان و

شمال شبه قاره هند حکومت نمودند.

و مدرسه دینی به عنوان موقوفه به وجود آمد.

تاریخ فیروزشاهی اثر شمس سراج عفیفی که همان عنوان کتاب تاریخ فیروزشاهی ضیاءالدین برنی را دارد، روند به وجود آمدن وقف را در دوران حکومت سلاطین مسلمان هند شرح داده و مراحل بازسازی املاک وقف از سوی سلاطین آن دوران را یاد کرده است.^۱

عالمان، صوفیان، شاعران و هنرمندان مسلمان تحت پوشش فتوحات اسلامی به هند سرازیر شدند و پس از کسب حمایت حکومت‌های جدید، مدارس دینی، مساجد و خانقاهها را سازمان دادند و زمینه را برای گرویدن مردم هند به اسلام فراهم آوردند. استقبال از اسلام معمولاً زمانی صورت گرفت که ثروتمندان و امرای مسلمان مسجد یا خانقاهی را وقف می‌کردند.

اموال زیادی از سوی سلاطین، مشایخ، علما و امراء برای اداره امور مساجد، مدارس و امور خیریه وقف شد، ولی گسترش همه جانبه آن در هند از سال ۶۰۳ ق / ۱۲۰۶ م با تأسیس نخستین حکومت مسلمانان در دهلی شکل گرفت و شبکه اوقاف در سراسر قلمرو حکومت مسلمانان در شمال و شمال غرب شبه قاره هند گسترش یافت.

نقش صوفیان در توسعه موقوفات

صوفیان در گسترش اوقاف در شبه قاره هند نقش اساسی ایفا نمودند. برخی از اماکن صوفیان به خصوص آنها که متعلق به سهروردیه^۲ بود به کمک اوقاف نگهداری می‌شد. بعد از درگذشت صوفیان بزرگ، گنبد و مقبره‌ای در بالای قبور آنها از طرف مریدانشان ساخته می‌شد. این‌گونه مقابر در شبه قاره هند که به «درگاه» معروف شدند، مراکزی بودند که سالانه صدها هزار نفر مسلمان و غیر مسلمان برای زیارت به این «درگاهها» مشرف می‌شدند.

در طول زمان پیرامون این «درگاهها» شهرهایی به وجود آمده‌اند که معروف‌ترین آنها بارگاه خواجه معین‌الدین چشتی (م ۶۳۴ ق / ۱۲۳۶ م) در شهر اجمیر (Ajmer)، بابا فرید (م ۶۴۳ ق / ۱۲۴۵ م) در شهر پاک پتن (Pakpattan)، نظام‌الدین اولیا (م ۷۲۴ ق / ۱۳۲۵ م) در شهر دهلی و خواجه محمد گیسو دراز بنده‌نواز (م ۸۲۶ ق

1- Waqf Laws and Administration in India, p. 15.b

۲- طریقه سهروردیه به دست شیخ نجیب‌الدین عبدالقاهر سهروردی (متوفی ۵۶۵ هـ / ۱۱۶۹ م) تأسیس گردید و بهاء‌الدین زکریا در قرن هفتم هجری در هند رواج داد.

/ ۱۴۲۲م) در شهر گلبرگه (Gulbarga) می‌باشد که موقوفات متعلق به آنها از سوی کمیته‌ای ویژه که سازمان اوقاف تعیین می‌کند اداره می‌شود.

موقوفات مهم دیگر آن دوران در اجمیر و ناگور (Nagaur) در منطقه راجپوتانا (Rajputana) و در هانسی (Hansi) و اجودهن (Ajodhan) در پنجاب و دیگر شهرها در ایالت اُتارپاردش (Uttar Pradesh) درگاه صابری در کلیار (Kalyar) و درگاه شیخ احمد ابدال حق در رُدولی (Rudauli) وجود دارند که فعلاً به عنوان موقوفات اساسی در هند محسوب می‌شوند.

برخی از مقابر صوفیان معروف دیگر در شبه قاره هند، مانند بختیار کاکي (م ۶۳۴ق / ۱۲۳۶م)، نصیرالدین معروف به چراغ دهلی (م ۷۶۹ق / ۱۳۶۷م)، شیخ سراج‌الدین (م ۷۵۹ق / ۱۳۵۷م)، اشرف جهانگیر سمنانی (م ۸۰۸ق / ۱۴۰۵م)، شیخ سلیم چشتی، شاه کلیم‌الله (م ۱۱۴۲ق / ۱۷۲۹م)، قطب عالم (م ۸۵۷ق / ۱۴۵۳م)، سید علی همدانی معروف به شاه همدان (م ۷۸۶ق / ۱۳۸۴م)، احمد یحیی مانری (م ۷۷۳ق / ۱۳۷۱م)، شیخ عبدالله (م ۸۹۰ق / ۱۴۸۵م)، محمد غوث گوالیاری (م ۹۷۱ق / ۱۵۶۳م)،

از موقوفات مهم در شبه قاره هند به شمار می‌آیند.

در بخش بنگال (کشور بنگلادش و ایالت بنگال غربی هند) صوفیان با روشهای خاص خود میلیونها بودایی و هندو را با آیین اسلام آشنا ساخته، آنان را مسلمان نمودند. از میان صوفیان و مصلحان زاهد و معروف بنگال می‌توان این افراد را برشمرد: نور قطب العالم، بابا آدم شهید در بخش منشی گنج نزدیک داکا، شاه جلال صوفی معروف بنگلادش که مقبره‌اش در شهر مذهبی سیلپت قرار دارد، خان جهان علی که مزارش در بندر کهولنا قرار دارد، بدرالدین شاه در چیتاگانگ، شاه مقدم در راج شاهی و علی بغدادی در داکا، از دیگر صوفیان معروف در منطقه بنگال می‌باشند.

به کوشش امرای مسلمان و صوفیان، مساجد، مدارس و خانقاههای بسیاری در بنگال بنا گردید و صوفیان در گسترش اسلام نقش اساسی ایفا نمودند. در بنگال صدها آرامگاه متعلق به صوفیان وجود دارد که مورد توجه خاص مردم می‌باشد. شایان ذکر است که بیشتر صوفیان از ایران برای تبلیغ اسلام به شبه قاره هند مهاجرت کرده بودند. مقبره‌های صوفیان و املاک مربوط به آنها از مهم‌ترین املاک وقفی در منطقه بنگال

به‌شمار می‌روند.

تعدادی از این مقبره‌ها در کشور پاکستان قرار گرفته که از مراکز بزرگ تجمع مسلمانان و ابنیه وقف در این کشور محسوب می‌شود. دربار «شاه‌چن چراغ» در راولپندی، زیارتگاه «امام بری» در اسلام‌آباد، دربار شیخ زکریا و شاه شمس سبزواری، شاه علی مردان و شاه یوسف گردیزی در ملتان، داتا دربار، مقبره سید علی هجویری در لاهور، مقبره منگهوپیرو و مزار عبدالله شاه غازی در کراچی از زیارتگاههای معروف پاکستان می‌باشند. زیارتگاههای صوفیان در پاکستان مورد توجه خاص مسلمانان این کشور می‌باشد. اختصاص هدایا و نذورات فراوانی به این زیارتگاهها، این مراکز دینی را به بزرگ‌ترین منبع درآمد وقف تبدیل نموده است. از درآمد این زیارتگاهها تعدادی از مدارس دینی، خانقاهها و دیگر امور خیریه بهره‌مند می‌شوند. اگر از این مراکز وقف استفاده بهینه شود درآمد بیشتری به دست خواهد آمد و فعالیتهای فرهنگی، علمی و اجتماعی گسترده‌تری در این کشورها انجام خواهد شد.

محمود غزنوی اسلام در شبه قاره هند گسترش وسیعی یافت. در این دوره تمدن اسلامی به دست حاکمان، عالمان، شاعران، حکیمان، دبیران، عارفان، صوفیان و هزاران سرباز ایرانی پایه‌گذاری گردید و لاهور به عنوان مرکز علم و ادب و هنر و عرفان ایرانی معرف شد^۱. زمانی که لاهور پایتخت ثانوی - و بعداً اصلی - حکومت غزنوی شد، مدارس وابسته به مساجد در آنجا افتتاح گردید و املاکی برای اداره این اماکن وقف شد. بدین‌سان لاهور مرکز آموزش مسلمانان گردید و نخستین اثر عرفانی فارسی به نام کشف‌المحجوب اثر علی بن عثمان هجویری در این شهر شکل گرفت.

پس از فتح دهلی به دست سلطان شهاب‌الدین غوری در سال ۵۸۸ق / ۱۱۹۲م تعدادی مدرسه در قلمرو غوریان در هند تأسیس گردید و علما و دانشمندان بسیاری از ایران به هند رفته، در آنجا ساکن شدند. در حقیقت شروع تبلیغات اسلامی در هند از زمان غوریان آغاز گردید و همزمان با آن مدارس و مساجد بسیاری تأسیس شد.

1- C.E.Bosworth, The Later Ghaznavids (NewYork, Columbia University Press, 1966), pp 30-33 & pp 61-90.b

نقش وقف در گسترش علوم

در دوره غزنویان به‌خصوص در سلطنت

بعد از استمرار کامل حکومت مسلمانان در شبه قاره در سال ۶۰۳ ق / ۱۲۰۶ م، قسمت عمده‌ای از درآمد موقوفات در آن دوره به رشد شاخه‌های مختلف علوم اختصاص یافت و برای احداث و اداره امور مدارس دینی، مساجد، خانقاهها و بیمارستانها هزینه می‌شد.^۱

در دوران حکومت تغلقیان (۷۲۰-۸۱۷ ق / ۱۳۲۰-۱۴۱۴ م) به ویژه در دوره حکومت فیروز تغلق (۷۵۲-۷۹۰ ق / ۱۳۵۱-۱۳۸۸ م) موقوفات بیشتری برای تأمین هزینه مدارس تخصیص یافت: سلاطین خاندان سادات (۸۵۵-۸۱۷ ق / ۱۴۱۴-۱۴۵۱ م) برای نگهداری و هزینه‌های این مدارس و دانشمندان املاکی را وقف این مدارس نمودند که از محل درآمد آنها مدارس مذکور اداره می‌شدند. سلاطین لوده‌سی (۸۵۵-۹۳۳ ق / ۱۴۵۱-۱۵۲۶ م) نیز در قلمرو خود مدارس دینی را تأسیس نموده، املاکی برای اداره آنها وقف می‌کردند.^۲

درآمد حاصل از آنها برای نگهداری مقبره‌ها، مساجد و مدارس دینی وقف گشته بود. براین اساس سلاطین زمینهای مزروعی را وقف علما و صوفیان می‌کردند که آنها از درآمد آنها بهره‌مند شوند.

جلال الدین اکبر، امپراتور معروف گورکانی در هند (۹۶۴-۱۰۱۴ ق / ۱۵۶۴-۱۶۰۵ م) بخشش «مدد معاش» را برای خانواده معروف روحانی مستقر در شهر لکهنو به وجود آورد و این بخشش وقفی به عنوان «فرنگی محل» معروف گردید. سلاطین بعدی گورکانیان هند هم املاک و مبالغی را وقف این محل کردند. یکی از قدیم‌ترین مدارس سنتی در شبه قاره هند در همین محل به نام مدرسه فرنگی محل در اواخر قرن یازدهم هجری / هفدهم میلادی توسط مولانا محمد سهالوی در همین ملک تأسیس گردید. ملا نظام الدین که از نخستین اساتید آن مدرسه بود در آنجا برنامه درسی ترتیب داد که به نام «درس نظامیه» معروف شد و تاکنون این دروس در بیشتر مدارس

موقوفات در خدمت ترویج علم

کتابهای تاریخی از اختصاص برخی زمینهای کشاورزی به عنوان «وجوه معاش» در دوران سلاطین لوده‌سی یاد کرده‌اند که

1- N.N.Law: Promotion of Learning in India during Muhammadan Rule by Muhammadans (London, 1916), pp 36-37.

2- Promotion of Learning in India..., p 56.

دینی اهل سنت در شبه قاره هند و پاکستان تدریس می‌شود. این مدرسه تاریخی از املاکی که به عنوان مدد معاش وقف شده بود اداره می‌گردید.^۱

جهانگیر امپراتور گورکانی فرمانی صادر کرد که بر اساس آن اموال افراد ثروتمندی که بدون وارث در می‌گذشتند، به دولت تعلق گیرد و این پولها برای ساختن و تعمیر مدارس و آموزشگاهها مورد استفاده قرار می‌گرفت. در دوران حکمرانی و فرمانروایی وی شماری از آموزشگاهها که تعطیل شده و رو به ویرانی گذاشته بودند، بازسازی و احیا گردیدند.^۲

هزینه مدارس مزبور را اوقاف و کمکهای مستقیم دولت تأمین می‌کرد. درآمد حاصل از اجاره‌بهای مغازه‌های پیرامون مسجد به هزینه‌های جاری مدرسه ضمیمه و بدانها تخصیص می‌یافت. در برخی موارد استادان از طرف حکومت حقوق بازنشستگی دریافت می‌کردند. از زمان حکومت امپراتور جلال‌الدین اکبر گورکانی به بعد اعانات دولت بدون تبعیض به آموزشگاهها و مدارس مسلمانان که جدای از مساجد بودند داده می‌شد.^۳

اسناد رسمی نشان می‌دهد که قبل از تسلط بریتانیا بر امور بنگال، بیش از هشتاد

هزار مدرسه دینی در نقاط مختلف این منطقه تأسیس شده بود و بر اساس جمعیت وقت بنگال، برای هر ۴۰۰ نفر یک مدرسه دینی وجود داشت.^۴

در دوران حکومت مسلمانان در بنگال تحصیلات مذهبی برای عموم مسلمانان آزاد و رایگان بود. کلیه هزینه‌های تحصیلی و حتی هزینه تغذیه و خوابگاه طلاب نیز رایگان بود. کمیته‌های مدارس علمی و دینی از طریق گردآوری خیرات و با استفاده از درآمد موقوفات، مدارس را اداره می‌کردند. تقریباً $\frac{1}{4}$ زمینهای بنگال وقفی بود و بدین سبب از نظر مالی، مشکلی در اداره امور مدارس علمیه به وجود نمی‌آمد. مدارس علمیه آزادانه عمل می‌کردند و دستگاه سیاسی حاکم، کوچک‌ترین نفوذی در موضوعات درسی و غیره نداشت.^۵

۱- شیخ محمد اکرام، رود کوثر، لاهور، ۱۹۵۸م، ص ۵۷۷ و ۵۷۸.

۲- سید ابوالحسن علی ندوی، هندوستان کی قدیم اسلامی در سگهین، (اعظم گره، ۱۹۳۶)، ص ۲۶ و ۲۷.

۳- هندوستان کی قدیم اسلامی در سگهین، ص ۱۱ و ۲۵.

۴- محمد مهدی آخوندزاده، تجزیة شبه قاره هند و استقلال بنگلادش، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۲۸.

۵- تجزیة شبه قاره هند و استقلال بنگلادش، ص، ۱۳۰.

مسلمانان پاکستان چه اهل سنت و چه شیعه، تعدادی مدرسه دینی بزرگ در شهرهای مختلف این کشور دارند. برخی از مساجد این کشور در درون خود محلی به عنوان مدرسه برای تحصیل طلاب علوم دینی دارند و در فضای برخی از مدارس به همین منظور مسجد بنا شده است. در بیشتر مساجد پاکستان برای کودکان و نوجوانان قرائت قرآن و معارف اسلامی تدریس می‌شود. مدارس دینی مخارج خود را از درآمد موقوفات و نذورات مردم تأمین می‌کنند.

بعد از قیام مسلمانان علیه استعمارگران انگلیسی در سال ۱۸۵۷م، در شهر دیوبند به سال ۱۲۸۴ق / ۱۸۶۷م یک مدرسه دینی به نام دارالعلوم توسط علمایی که پیرو مکتب شاه ولی الله دهلوی (م ۱۱۴۱ق / ۱۷۶۲م) بودند، به وجود آمد. جمعیت علمای اسلام پاکستان، جنبش سپاه صحابه پاکستان و جنبش طالبان افغانستان از خط مشی سیاسی و مذهبی دارالعلوم دیوبند پیروی می‌کنند.

مدرسه مهم دینی اهل سنت به نام ندوة العلماء توسط گروهی از علمای میانه‌رو در سال ۱۳۱۲ق / ۱۸۹۴م در لکهنو تأسیس شد. سید احمد خان در سال ۱۲۹۱ق / ۱۸۷۴م طرح دانشگاه مسلمانان در شهر

علی‌گره را به مرحله نهایی رسانید. این دانشگاه در اوائل قرن بیستم مهم‌ترین مؤسسه آموزشی مسلمانان شبه قاره محسوب می‌شد که بیشتر رهبران فکری و سیاسی مسلمان هند در نیمه قرن بیستم در این دانشگاه تعلیم یافته‌اند. آنها در جنبش خلافت در دهه ۱۹۲۰ و جنبش پاکستان در دهه ۱۹۴۰ نقش مهمی داشتند.^۱

تعدادی از مؤسسات آموزشی اسلامی دیگر نیز در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در سراسر شبه قاره به وجود آمدند. اجمن حمایت اسلام یک انجمن خیریه مذهبی در شمال غربی هند است که در امور آموزشی پیشقدم بوده و دانشکده‌های اسلامی در لاهور و پیشاور و تعدادی مدرسه متوسط در جاهای دیگر را تأسیس کرده است.

دانشگاه عثمانیه به سال ۱۹۱۷م در شهر حیدرآباد دکن و «جامعه ملیه اسلامی» در دهه ۱۹۲۰م در دهلی توسط رهبران مسلمان هند برای ارتقای سطح علمی در میان مسلمانان به وجود آمد. مؤسسات یاد شده

۱- عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه نقی

لطفی - محمد جعفر یاحقی، تهران، ۱۳۶۷، ص

به‌عنوان موقوفات مهم شناخته می‌شوند.

کتابخانه‌های وقفی مسلمانان

در دوران بیش از هشتصد سال حکومت مسلمانان بر شبه قاره هند در کنار مدارس، کتابخانه‌هایی برای استفاده مدرّسان و طلاب بنا گردید. در این ایام فراگیری علوم و فنون اسلامی تنها منحصر به مدارس نبود، بلکه مساجد و خانقاهها نیز مرکز آموزش علوم اسلامی بودند و پیرامون بیشتر مساجد و خانقاهها کتابخانه‌های عمومی وجود داشت. پدیده‌های معنوی و ارزشهای والای انسانی موجود در اسلام سبب گردید که مسلمانان هزاران بنای مذهبی مانند مسجد و مدرسه دینی همراه با کتابخانه، خانقاه و مقبره به‌وجود آورند و این بناها را برای پیشبرد اهداف اسلامی وقف نمایند.

کتابخانه‌های بزرگی که به دست مسلمانان در هند ساخته شدند هنوز هم به عنوان بزرگ‌ترین ذخایر علمی این کشور محسوب می‌شدند که معروف‌ترین آنها از این قرار می‌باشند: کتابخانه ناصریه، کتابخانه ممتاز العلماء، کتابخانه ندوة العلماء در لکهنو؛ کتابخانه دانشگاه اسلامی علی‌گره؛ کتابخانه جامعه ملیه اسلامی دهلی؛ کتابخانه خدابخش پتنه؛ کتابخانه رضا در رامپور؛

کتابخانه آصفیه و کتابخانه موزه سالار جنگ در حیدرآباد دکن. تمامی این کتابخانه‌ها به عنوان املاک وقفی محسوب می‌شوند که صاحبانشان آنها را برای ترویج علوم اسلامی وقف نموده‌اند.

پس از استقلال هند در سال ۱۹۴۷م، مسلمانان هند با وجود مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با استفاده از نظام خیراندیش وقف در اسلام، شبکه وسیع و گسترده‌ای از مساجد، مدارس دینی و جدید، یتیم‌خانه و کتابخانه را در سراسر هند به‌وجود آوردند که این مراکز از محل درآمد املاک وقفی وابسته به آن اداره می‌شوند. بهترین نمونه آن دانشگاه بزرگ و معروف به نام «دانشگاه همدرد» در دهلی نو می‌باشد که از سوی «مؤسسه همدرد وقف» اداره می‌شود. این مؤسسه بزرگ‌ترین و پردرآمدترین مؤسسه وقف در هند به‌شمار می‌آید.

زیباترین بنای وقفی در شبه قاره هند

شاه جهان (۱۰۶۸-۱۰۳۷ق / ۱۶۲۷-۱۶۵۸م) امپراتور معروف گورکانی با نظارت معمار معروفی از شیراز به نام استاد عیسی مقبره‌ای بزرگ به سبک معماری ایرانی در شهر آگره بر آرامگاه همسرش به

نام ارجمند بانو ملقب به تاج محل بنا نمود. این مقبره به مدت دوازده سال و با هزینه هشت میلیون روپیه ساخته شد و بنای آن به سال ۱۰۴۱ق / ۱۶۳۱م تکمیل گردید و تاج محل نامگذاری شد. خود شاه جهان نیز در آن مدفون است. این مقبره یکی از عجائب جهان محسوب می‌شود.

شاه جهان برای نگهداری این بنای باشکوه سی روستارا وقف نمود و مقبره تاج محل در شهر آگره به عنوان باشکوه‌ترین و زیباترین بنای وقفی در شبه قاره هند محسوب می‌شود.

آرامگاه امپراتور گورکانی همایون در دهلی، آرامگاه عبدالرحیم خان خانان، آرامگاه‌های جهانگیر و نور جهان در لاهور، آرامگاه اعتماد الدوله در آگره، مقبره بی‌بی در اورنگ آباد، مسجد مروارید و مقبره سلیم چشتی در آگره از بناهای تاریخی و شکوهمند دوره گورکانیان هند می‌باشند که املاک و زمینهای کشاورزی برای نگهداری آن از سوی سلاطین گورکانی هند وقف شده است.

نقش بریتانیا در تضعیف اوقاف

ارتش مجهز کمپانی هند شرقی بریتانیا پس از پیروزی نظامی بر حاکمان مسلمانان

در شرق هند در جنگهای پلاشی (۱۱۷۱ق / ۱۷۵۷م) و بکسر (۱۱۷۸ق / ۱۷۶۴م) توانستند بر مناطق شرق و جنوب هند مسلط شوند. ارتش بریتانیا سلطه خود را در هند با قدرت نظامی مستحکم نمودند و نخستین اقدام آنان مبارزه با تمامی مظاهر تمدن اسلامی در قلمروشان بود. استعمارگران بریتانیا برای تضعیف مسلمانان هند در تشکیلات وقف دخالت‌های غیر قانونی انجام دادند و با اقدامات متعدد باعث ضعف مسلمانان در امور اقتصادی و آموزشی شدند.

در زمان سلطه دوپست ساله استعمارگران بریتانیا فعالیت‌های فرهنگی و اقتصادی شبه قاره هند به هندوها واگذار گردید و مسلمانان در محرومیت و تنگنای شدید به سر می‌بردند؛ زیرا بریتانیا مسلمانان را دشمن اصلی خود می‌دانستند و هند را با جنگ و حيله و نیرنگ از دست مسلمانان در آورده بودند. استعمارگران انگلیسی با توطئه و نیرنگ، پایه‌های تمدن و فرهنگ اسلام را در شبه قاره متزلزل ساخته، با حرکات حسابشده مسلمانان را از تمامی صحنه‌های اجتماعی خارج نمودند.

به عنوان نمونه، در سال ۱۷۹۳، حدود ۳۶ سال پس از استیلای سیاسی و نظامی

بریتانیا بر منطقه بنگال، کمپانی هند شرقی بریتانیا قانونی معروف به اقامت دائمی (Permanent Settlement Act) را بر مسلمانان بنگال تحمیل نمود که بر اساس آن مالکیت بنگال برای همیشه به هندوها واگذار گردید و این در حالی بود که مسلمانان بیش از هشت قرن حاکمیت مطلق بر سراسر شبه قاره هند داشتند و در این منطقه زمینهای زیادی را برای امور دینی و خیریه وقف نموده بودند، به گونه‌ای که تا این سال بیش از ۱/۴ کل زمینهای بنگال وقفی بود، ولی با تحمیل قانون «اقامت دائمی» تمامی زمینهای وقفی مسلمانان توسط کمپانی هند شرقی بریتانیا غصب گردید.^۱ همچنین بنا به دستور مستقیم حکومت انگلیس، زبان فارسی که هشتصد سال زبان رسمی هند بود، از سال ۱۲۵۱ق / ۱۸۳۵م منسوخ گردید و انگلیسی به عنوان زبان رسمی جایگزین آن شد.

جواهر لعل نهرو اولین نخست‌وزیر هند بعد از استقلال این کشور در کتاب معروف خود نگاهی به تاریخ جهان، درباره جنایتهای استعمارگران در هند می‌نویسد:

«سیاست غارتگرانه انگلستان سبب شد که در سال ۱۷۷۰م قحطی عظیمی در بنگال و بیهار روی داد که بیش از یک سوم اهالی

این نواحی نابود و تلف شدند. بسیار جالب است که در گزارش رسمی کمپانی هند شرقی بریتانیا گفته می‌شود با وجود قحطی شدید در هند و با وجود آنکه بیش از یک سوم مردم تلف شدند، آنها رقم در آمد و عایدات معمولی را از آنان که زنده مانده بودند گرفتند.»^۲

به اعتراف دبلیو. دبلیو. هانتور مورخ معروف انگلیسی، در هنگام ورود انگلیسیها، مترقی‌ترین اهالی هند از لحاظ دانش و خرد مسلمانان بودند، ولی با سیاستهای مزورانه خود آنان را ناتوان کردند. با مدارس آنان که منبع سرشار فرهنگ و دانش هند بود مبارزه نمودند و اوقاف اسلامی را که بودجه این مدارس را تأمین می‌کرد به تصرف خود درآوردند. همچنین ثروتمندانی را که به سبب احساسات مذهبی به این مدارس کمکهای مالی می‌کردند با تطمیع و تهدید، از این کار منصرف و پشیمان ساختند... در نتیجه، بسیاری از مدارس اسلامی بسته شد و این مراکز دانش و فرهنگ به حال تعطیل

۱- تجزیة شبه قاره هند و استقلال بنگلادش، ص ۱۳۰.

۲- جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضلی، تهران، ۱۳۶۱، بخش ۱، ص ۶۳۳ و ۶۳۴.

درآمد^۱.

بریتانیا بیشتر مراکز فرهنگی مسلمانان مانند مدارس دینی، مساجد، بارگاهها و کتابخانه‌هایی را که تمامی آنها از موقوفات محسوب می‌شدند غارت و ویران نمود. استعمارگران انگلیسی برای تضعیف مسلمانان با تمامی مظاهر تمدن اسلامی مبارزه گسترده‌ای نمودند و در اثر مداخله‌های غیر قانونی و ظالمانه در تشکیلات وقف املاک وقفی مسلمانان را تقریباً نابود کردند که به همین خاطر مسلمانان در میدانهای اقتصادی، اجتماعی و آموزشی ضعیف شدند. استعمارگران بریتانیا بیشتر موقوفات را که بودجه مراکز مذهبی و فرهنگی مسلمانان را تأمین می‌کرد مصادره نمودند و از این راه توانستند مظاهر ضد دینی تمدن غرب را در شبه قاره ترویج نمایند.

در سال ۱۸۱۰م کمپانی هند شرقی با اعلام مقررات ۱۹ از قانون نامه بنگال (Regulation XIX of Bengal Code) سرپرستی تمامی موقوفات در شرق هند را به دست گرفت و در سال ۱۸۱۷م با اجرا نمودن مقررات ۶ از

مدارس دینی پایگاه اصلی مسلمانان مبارز بود که به وسیله علما رهبری می‌گردید. به همین سبب انگلیسیها مدارس دینی را تعطیل و موقوفات متعلق به این مدارس را نیز مصادره کردند و از این راه موقوفات سراسر شبه قاره هند متحمل خسارت جبران‌ناپذیر گردید.

قیام بزرگ مسلمانان هند در سال ۱۸۵۷م که به نام «اولین جنگ آزادی» معروف شد، وحشیانه توسط ارتش قدرتمند اشغالگر بریتانیا سرکوب گردید. این حرکت کاملاً اسلامی بود و مسلمانان به رهبری علمای مبارز و به صورت پیکری واحد برای دفاع از اسلام قیام کردند. بعد از سرکوب این قیام بزرگ ارتش قدرتمند بریتانیا در سالهای ۱۸۵۸ و ۱۸۵۹م با ضبط و توقیف اموال مسلمانان آنان را کاملاً فلج ساختند و بدین‌سان مسلمانان هند تمامی منافع اقتصادی و اجتماعی خود را از دست دادند و خانواده‌های کهن مسلمانان هند به شدت صدمه دیدند.

مداخله بریتانیا در امور اوقاف

پس از سرکوب قیام بزرگ مسلمانان هند در سالهای ۱۸۵۷ و ۱۸۵۸، ارتش اشغالگر

1- W.W.Hunter: The Indian Musalmans (London, 1871), p. 149.

قانون‌نامه مدارس (Madras) سرپرستی تمامی موقوفات در قلمرو جنوب هند بریتانیا به دست کمپانی هند شرقی افتاد.^۱ پس از سرکوب قیام بزرگ استقلال‌طلبانه مسلمانان هند در سال ۱۸۵۷م، حکومت هند بریتانیا با اجرای «قانون وقف دینی سال ۱۸۶۳م» (Religious Endowment Act 1863) تمامی موقوفات در سراسر قلمروشان را مستقیماً تحت سرپرستی خود قرار دادند. در سال ۱۸۶۴م حکومت هند بریتانیا با اجرای قانون قضات سال ۱۸۶۴م (The Kazi Act, 1864) تمامی دادگاههای شرعی را که علما منصب قضاوت آن را برعهده داشتند در سراسر هند بریتانیا لغو نموده، مجمع‌القوانین بریتانیا را در قلمرو خود به مورد اجرا درآوردند. در سال ۱۸۹۰م دولت بریتانیا، «قانون املاک خیریه سال ۱۸۹۰» (Charitable Endowments Act, 1890) را تصویب نمود که مطابق آن موقوفات مسلمانان هند در ردیف قوانین «تراست»^۲ انگلیس درآمد. اجرای این قانون در اداره موقوفات هند با مخالفت شدید علما، دانشمندان و حقوقدانان مسلمان روبه‌رو شد و خشم آنان را علیه این قانون برانگیخت. بر اساس این قانون، وقف ذری (املاکی که وقف اولاد

می‌شد) لغو می‌گردید؛ زیرا دادگاههای بریتانیا علیه وقف ذری حکم صادر کرده بودند. علما و دانشمندان مسلمان هند لغو وقف اولادی را از سوی دادگاههای بریتانیا مداخله در شریعت و قوانین مدنی خاص مسلمانان پنداشته، علیه این اقدام دادگاههای بریتانیا جنبش اعتراض‌آمیزی را آغاز کردند.^۳ علما و رهبران مسلم لیگ به جنبشی پیوستند تا بدین وسیله بتوانند دولت بریتانیا را مجبور کنند که تصمیم سال ۱۸۹۴م از سوی «شورای خصوصی سلطنتی» (Privy Council) را لغو کند و وقف اولادی را مجدداً احیا نمایند. در سال ۱۹۱۱م اتحاد مشابهی علیه «قانون ازدواج خاص» (Special Marriage Bill) شکل گرفت که از جمله مواد آن قانون این بود که ازدواج مرد کافر را با زن مسلمان مجاز می‌دانست؛ قانونی که شریعت آن را نهی می‌کرد.

در سال ۱۹۰۸م دولت بریتانیا «آیین دادرسی کشوری» (Code of Civil

1- Waqf Laws and Administration in India, p. 10.

2- Trust.

3- Gregory C. Kozlowski, Muslim Endowments and Society in British India, Cambridge University Press, p. 96.

(Procedure, 1908) را تصویب کرد که مطابق بخشهای ۹۲ و ۹۳ آن دادستان کل اختیارات ویژه‌ای در اداره موقوفات هند به دست آورد؛ مانند: ۱- عزل متولی، ۲- نصب متولی جدید، ۳- گرفتن ملک وقفی از دست متولی عزل شده و انتقال آن به متولی جدید، ۴- بازرسی حساب و تحقیقات در امور وقفی، ۵- تخصیص دادن اعتبارات به اهداف مختلف وقف، ۶- اختیار کامل برای فروش، رهن و تبادل کلی و جزئی موقوفه، ۷- ایجاد برنامه‌های مشخص برای اداره موقوفات، ۸- صادر نمودن احکام مطابق مقتضیات زمان^۱. در اعتراض به مداخله دولت هند بریتانیا در امور موقوفه هند، علما و حقوقدانان، از جمله مولانا شبلی نعمانی، قاضی امیرعلی و محمد علی جناح، رهبر مسلم لیگ و حقوقدان معروف اعتراضات شدیدی آغاز نمودند و از دولت هند بریتانیا خواستند که تمامی قوانین ضد شریعت را اصلاح کنند و پیشنهادها و طرحهایی در این باره ارائه نمودند. در سال ۱۹۱۳م دولت بریتانیا تحت فشار شدید علما و دانشمندان مسلمان هندی و مطابق پیشنهاد آنان قانون جدیدی برای امور وقف به عنوان «قانون تنفیذ وقف مسلمانان» (The Muslim Waqf Validating Act, 1913) را تصویب

کردند. در این قانون دولت بریتانیا تعهد نمود که در مسائل وقف مسلمانان مطابق قوانین شریعت اسلامی عمل نماید. مطابق این قانون وقف ذری (اولادی) هم به رسمیت شناخته شد^۲.

تصویب و اجرای این قانون پیروزی تعیین‌کننده و تاریخی برای مسلمانان هند محسوب می‌شد؛ زیرا این مسئله باعث شد که مسلمانان در قوانین مدنی خاص مطابق شریعت اسلامی عمل نمایند^۳.

پس از اجرای «قانون تنفیذ وقف مسلمانان» در سال ۱۹۱۳م، دولت هند بریتانیا چند قانون مربوط به وقف را به شرح زیر به تصویب رساند:

۱- قانون هیأت امنای دولتی، سال ۱۹۱۳م (The Official Trustees Act, 1913)، مطابق این قانون در آمد موقوفاتی را که با اهداف خیریه بوده می‌توانند در امور غیر مذهبی نیز مصرف کنند و متولی یا هیأت

1- Dr. Ahmadullah Khan, Commentary on the law of Waqf in India (Hyderabad, 1996), pp. 18-19.

2- Commentary on the law of Waqf in India, p. 19.

3- Encyclopaedia of Seerah (London, 1984), Vol III, p. 755.

(Bihar and Orissa Musalman Waqf Act, 1926).

۲- قانون وقف بنگال سال ۱۹۳۴م.

(Bengal Waqf Act, 1934)

۳- قانون وقف مسلمانان بمبئی، سال

۱۹۳۵.

(Bombay Musalman Waqf Act, 1935).

۴- قانون وقف مسلمانان ایالت‌های متحد،

سال ۱۹۳۶م.

(United Provinces Muslim Waqf Act, 1936).

۵- قانون وقف مسلمانان دهلی، سال

۱۹۴۳م.

(DELHI Muslim Waqf Act, 1943).

۶- قانون (اصلاحیه) وقف مسلمانان

بمبئی، سال ۱۹۴۵م.

(Bombay Musalman Waqfs (Amendment) Act, 1945).

سخن پایانی

از سال ۹۳ق / ۷۱۱م که شمال غرب شبه

امنای آن می‌توانند اختیارات و وظایف خود را به متولی دولتی واگذار کنند.^۱

۲- قانون تراست‌های خیریه و دینی، سال

۱۹۲۰م (The Charitable and Trusts

cts, 1920): مطابق این قانون اشخاص

می‌توانستند از دادگاه حکم بگیرند که متولی

یا هیأت امناء موقوفه موظف شود

صورت‌حساب درآمد و مخارج موقوفه را ارائه

نماید. این قانون موقوفات اولادی را شامل

نمی‌شد و موقوفاتی که برای امور خیریه

مردم به‌وجود آمده بودند شامل این قانون

می‌شدند.^۲

۳- «قانون وقف مسلمانان، سال ۱۹۲۳م

(Musalman Waqf Act, 1923):

مطابق این قانون متولیان موقوفات می‌بایست

هر پنج سال یک بار صورت‌حساب تمامی

درآمدها و مخارج موقوفه خود را به دادگاه

محل ارائه نمایند. موقوفات اولادی (ذری)

شامل این قانون نمی‌شد.

دولت هند بریتانیا چند قانون دیگر نیز

برای اداره موقوفات در استان‌های مختلف

شبه قاره هند به اجرا درآورد که به قرار زیر

می‌باشند:

۱- قانون وقف مسلمانان بیهار و اریسا،

سال ۱۹۲۶.

1- Commentary on the law of Waqf in India, p. 20.

2- Ibid.

قاره هند تا ملتان به تصرف حکومت مسلمانان در آمد، موقوفات در این بخش از جهان نقش بسزایی در تبلیغ و گسترش اسلام ایفا نمودند.

در زمان حکومت غزنویان و غوریان قلمرو حکومت مسلمانان در شمال شبه قاره توسعه یافت. با تأسیس سلسله حکومت‌های سلاطین مسلمان در شمال هند از سال ۹۳۳-۶۰۳ ق / ۱۲۰۶-۱۵۲۶م، شبکه گسترده موقوفات مسلمانان در سراسر شبه قاره هند به وجود آمد که علاوه بر تقویت اسلام باعث رشد علوم مختلف در این مناطق گردید. موقوفات عظیم و تاریخی مانند مساجد، مدارس، حسینیه و بیمارستانها در این مدت تأسیس گردید که جزء میراث تمدن اسلامی در شبه قاره هند می باشد. تمامی وقف‌نامه‌ها در طول تاریخ هند به فارسی نوشته شده است. صدها هزار وقف‌نامه موجود در سراسر شبه قاره از بهترین آثار ادبیات فارسی و هنر ایرانی به‌شمار می‌رود که در مراکز اسناد و بایگانی و کتابخانه‌های دولتی و خصوصی در

کشورهای هند، پاکستان و بنگلادش نگهداری می‌شود.

در قرن دوازدهم هجری قمری کمپانی هند شرقی بریتانیا با قدرت برتر نظامی و نیرنگ‌های سیاسی توانست قدرت را در شبه قاره به دست آورد. در سال ۱۲۷۵ ق / ۱۸۵۷م ارتش بریتانیا قیام بزرگ استقلال‌طلبانه مسلمانان هند را وحشیانه سرکوب کرد و بیشتر مراکز فرهنگی، دینی و علمی مسلمانان را که اکثر آنها جزء موقوفات محسوب می‌شد ویران نمود.

دولت اشغالگر بریتانیا در امور اوقاف در شبه قاره آشکارا مداخله نمود که به قیام علما و دانشمندان مسلمان علیه سیاست‌های بریتانیا انجامید. علاوه بر این با کوششها و پیگیری‌های علما و دانشمندان مسلمان، دولت هند بریتانیا مجبور شد در سال ۱۹۱۳م «قانون تنفیذ وقف مسلمانان» را تصویب نماید که این مسئله یک پیروزی بزرگ برای مسلمانان محسوب می‌شد؛ زیرا آنان توانستند علیه دولت هند بریتانیا احقاق حق نمایند.